

طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی، نیز تسریع رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق می باشد. (مایکل تودارو، ۱۳۶۷: ۲)

نتیجه

شاید بتوان با اطمینان ادعا کرد امروزه مشکل اساسی در حوزه آموزش و پرورش، روش پرداختن به مسائل این حوزه است. کسی شک ندارد که استفاده از مطالعات تطبیقی برای نظام های آموزشی لازم و ضروری است و می توان از تجرب آن ها در ارتقای نظام آموزش و پرورش سود جست. با این حال به کار بستن روش های موفق آنان در مسیر توسعه کشور، بدون در نظر گرفتن اقتضائات بومی، منطقه ای، فرهنگی و اجتماعی و همچنین اخذ قالب و شکل و تغییر محتواها بدون توجه به اینکه قالب و شکل به طور طبیعی القا کننده نوعی خاص از محتواست، نمی تواند آموزش و پرورش را در اختیار و خدمت به توسعه کشور قرار دهد.

امروزه شیوه متداول تعیین اولویت ها با شیوه مطلوب فاصله بسیار دارد و کمتر به ظرفیت های درونی کشور، یعنی ایدئولوژی و اقتضائات بومی، منطقه ای، فرهنگی و اجتماعی توجه می شود و آموزش و پرورش کشور نیازمند توجه جدی به مقوله توسعه درونزا و ایفای نقش جدی در این عرصه است. اگر غرض این باشد که از گسیختگی و آشفتگی اجتماعی و فرهنگی اجتناب شود، سیاست ها و راهبردهای آموزشی باید به طور کامل بر ارزش ها و سنت های محلی استوار بوده و بر پایه تجارب موفقیت آمیز، به سوی جهانی امیدبخش هدایت شده باشند. (هلک، ۱۳۷۱: ۱۱)

باید توجه داشت که پیچیدگی روابط متقابل مسائل آموزشی، امری دورنی و در قالب ایدئولوژی و اقتضائات بومی، منطقه ای، فرهنگی و اجتماعی قابل رمزگشایی است و تنها در این صورت می توان از پیچیدگی آن کاست و آن را مطالعه و بررسی کرد؛ لذا امروزه نیازمند آن هستیم که در روش های سیاست گذاری آموزشی تجدیدنظر جدی داشته و از طریق آن، پیچیدگی روابط متقابل مسائل آموزشی را درک نموده و به آن توجه ویژه کنیم.

اگر قرار است جامعه در حال گذار ایران به سلامت از گردنه های صعب العبور تغییرات گذر کند، شایسته است که نظام آموزش و پرورش، صرف نظر از تأخیرهایی که تاکنون در ورود به تحلیل مسائل خویش و مهندسی اجتماعی داشته است، مسئولیت و سهم بیشتری در قبال جامعه بر عهده گیرد.

*عضوهیئت علمی ومدیر گروه فرهنگ و تاریخ دفتر تبلیغات اسلامی

خراسان رضوی

منابع

- فیوضات، یحیی (۱۳۷۳)؛ مبانی برنامه ریزی آموزشی؛ ج ۱، تهران، نشر ویرایش.
- مایر، جرالد ام، سیریز، دادلی (۱۳۶۸)؛ پیشگامان توسعه؛ ترجمه سید علی اکبر هدایتی، علی یاسری، ج ۱، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷)؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه: مصطفی سمرمدی و پروین رئیسی فر، تهران، انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- کاشانی، مجید (۱۳۹۲)؛ آموزش و پرورش، حیاتی ترین ابزار در مسیر توسعه پایدار؛ نشریه علوم اجتماعی، مهر ۱۳۹۲، ش ۶۷.
- برزنیکا، ولفگانگ (۱۳۷۱)؛ نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز؛ ترجمه: مهر آفاق بایبوردی، ج ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ویکی پدیا.
- هلک، ژاک (۱۳۷۱)؛ سرمایه گذاری برای آینده آموزش و پرورش؛ ترجمه: عبدالحسین نفیسی، ج ۱، تهران، انتشارات مدرسه

آموزش و پرورش و در نتیجه مسائل آن چون واکنشی عمل می کنند، زیاد جای بحث نخواهد گذاشت.

به خاطر داشته باشیم مسائل توسعه ای از سنخ مسائل دشوار و پیچیده و در عین حال دارای ابعاد چندگانه است و نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت. همچنین کسانی که با آموزش و پرورش آشنایی دارند، می دانند مسائل آموزش و پرورش دارای پیچیدگی های فراوانی است که به طور طبیعی، اول، متأثر از پیچیدگی ذاتی آموزش و پرورش و دوم درک روابط پیچیده و متقابل مسائل آموزش و پرورش با یکدیگر است؛ لذا اگر از پیچیدگی توسعه و مسائل آن و پیچیدگی ذاتی آموزش و پرورش بگذریم، لازم خواهد بود پیچیدگی روابط متقابل مسائل آموزش و پرورش را به طور جدی در ارتباط با مسائل توسعه کشور بررسی کنیم.

از پیچیدگی روابط متقابل مسائل آموزشی

پیچیدگی (Complexity) آنچنان رشد و شیوعی سریع به خود گرفته است که بسیاری، قرن جدید میلادی را سده پیچیدگی نام نهاده اند. پیچیدگی را می توان این گونه بیان کرد: «هرگاه مجموعه ای متشکل از عوامل متعدد و گوناگون، در مقیاس های متفاوت، با اتکا و وابستگی ذاتی و جدایی ناپذیر عوامل بر همدیگر وجود داشته باشد و بالاتر از همه این ها، اگر نشود با حذف و قطع برخی از مؤلفه ها و اعضا، به کوچک تر ساختن آن مجموعه پرداخت، با پیچیدگی مقابل هستیم.» (ویکی پدیا)

لذا منظور از پیچیدگی روابط متقابل مسائل آموزشی آن است که مسائل آموزشی آن چنان با مسائل ایدئولوژی و اقتضائات بومی، منطقه ای، فرهنگی و اجتماعی، جامعه شناختی، روان شناختی، انسان شناختی، فلسفی و همچنین از لحاظ درونی درآمیخته اند که بدون توجه همزمان به آن و جدای از یکدیگر، بررسی شدنی نیست و باید در کلان مسائل و با توجه به مسائل توسعه به آن پرداخته شود. این موضوع به ما نشان می دهد که ارتباط مسائل آموزشی با یکدیگر به صورت چندلایه است و نیازمند آن است که مثل یک دفتر لایه به لایه ورق زده شده و کنکاش شود. همچنان که «مایکل تودارو» در حوزه توسعه معتقد است که توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی،

